

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: علی مشرف

۰۳ اپریل ۲۰۲۲

جنگ اوکراین از نگاه چینی‌ها دیدگاه چین در قبال سیاست بین‌الملل

(۲)

فهرست مطالب

هم مقدمه و هم پی‌نوشت ...

صلح را گرامی بداریم، با هم در اتحاد کار کنیم و یک آینده برد-برد را برای آسیا-اقیانوسیه دنبال کنیم

جنگ، ریسک و روابط ..

سرمقاله گلوبال تایمز: امریکا نمی‌تواند انتظار داشته باشد که چین تحت سرکوبش همکاری کند

نتایج احتمالی جنگ روسیه و اوکراین و انتخاب چین ..

"انزوای" باشکوه در جنگی درون اروپا

متهم ساختن چین در نزاع روسیه و اوکراین، مهمل و مضحک است ...

روابط چین-روسیه مهم‌ترین دارائی ستراتیژیک است که با تحریک امریکا نمی‌تواند آسیب ببیند .

مردم چین کوچک‌ترین تحولات در رویارویی روسیه- امریکا را دنبال می‌کنند .

هماهنگی دو سوی اقیانوس اطلس در قبال چین؟ .

معضل دوگانه امنیت

صلح را گرامی بداریم، با هم در اتحاد کار کنیم و یک آینده برد-برد را برای آسیا-اقیانوسیه دنبال کنیم

سخنرانی لی یوچنگ معاون وزارت امور خارجه چین در چهارمین مجمع بین‌المللی امنیت و ستراتیژی

[توضیح: این مطلب احتمالاً کامل‌ترین تشریح موضع رسمی چین در قبال جنگ اوکراین و مسأله امنیت بین‌المللی

است. این سخنرانی روز ۱۹ مارچ ۲۰۲۲ ایراد شده است.]

دوستان، صبح به خیر. دیدن دوستان قدیمی و جدید، مایه خوش‌وقتی بسیار است. ملاقات به صورت مجازی مانعی در

ارتباط و تبادل نظر ما نخواهد بود. به ویژه در چنین لحظه خاصی، نیاز بیشتری به گرد هم آوردن دیدگاه‌های مختلف در

مورد تحولات بین‌المللی و بحث در مورد روند اساسی در منطقه آسیا-اقیانوسیه وجود دارد.

اگر بخواهیم در مورد تحولات بین‌المللی صحبت کنیم، بحران اوکراین بدون شک، کانون گردباد و دشوارترین وضعیت در حال حاضر است. اگرچه مجمع امروز درباره آسیا-اقیانوسیه است، اما ما هنوز باید با اوکراین شروع کنیم. در مورد اوکراین باید بگویم که من با این کشور غریبه نیستم. من زمانی که دانشجوی زبان و ادبیات روسیه در دانشگاه بودم، ابتداء از روس کئیف با اسلاوها آشنا شدم. در حرفه دیپلماتیک، من بارها از اوکراین دیدن کردم و یک بار سراسر این کشور، از غرب به شرق، در یک سفر جاده‌ای رانندگی کردم. این که کشوری که من با آن بسیار آشنا هستم، اکنون درگیر منازعه است، بسیار ناراحت‌کننده و تأسفبار است. این چیزی است که ما در هیچ شرایطی آرزوی دیدن آن را نداریم.

از زمان شروع بحران در اوکراین، چین فعالانه برای ترویج مذاکره صلح، ابراز حمایت خود از صلح و انجام تمام تلاش خود برای مذاکره ها کار کرده است. در روزهای آغازین جنگ، چین به روسیه پیشنهاد مذاکرات صلح با اوکراین را داد و با پاسخ مثبت طرف روس مواجه شد. روسیه و اوکراین از آن زمان تاکنون چهار دور مذاکره برگزار کرده‌اند. در جلسات مجازی اخیر با رهبران فرانسه و آلمان، رئیس‌جمهور شی‌جین‌پینگ بر حمایت از مذاکرات صلح تأکید کرد. [۱۸ مارچ] شی‌جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین بنا به درخواست جو بایدن رئیس‌جمهور امریکا با وی تماس تصویری داشت. دو طرف در مورد روابط چین و امریکا و وضعیت اوکراین تبادل‌نظر صریح و عمیقی داشتند. این تماس تصویری، دو ساعت طول کشید. رئیس‌جمهور شی‌جین‌پینگ موضع اصلی چین در مورد مسأله اوکراین را تکرار کرد. وی خاطرنشان ساخت که چین طرفدار صلح و مخالف جنگ است، مدافع حقوق بین‌الملل و هنجارهای به رسمیت شناخته‌شده جهانی حاکم بر روابط بین‌المللی است. چین به منشور ملل متحد پایبند است و چشم‌انداز امنیت مشترک، جامع، مبتنی بر همکاری و پایدار را ترویج می‌کند. همه طرف‌ها باید مشترکاً از روسیه و اوکراین در صحبت‌ها و مذاکراتی حمایت کنند که به نتیجه برسد و به صلح منجر شود. رئیس‌جمهور شی‌جین‌پینگ دو ضرب‌المثل چینی را نقل کرد: "یک دست صدا ندارد" و "کسی که زنگ را به بزرگ بست، باید آن را در بیاورد." وی از طرف‌های درگیر خواست که اراده سیاسی خود را نشان دهند و صحبت و مذاکره را ادامه دهند. همچنین ایالات متحده و ناتو باید با روسیه مذاکره کنند تا به مسأله دشوار بحران اوکراین رسیدگی کنند و نگرانی‌های امنیتی هم روسیه و هم اوکراین را کاهش دهند. رئیس‌جمهور شی‌جین‌پینگ تأکید کرد که راه حل پایدار برای [دستیابی به] امنیت، این است که کشورهای بزرگ به یک دیگر احترام بگذارند، ذهنیت جنگ سردی را رد کنند، از تقابل بلوکی و اردوگاهی پرهیز کنند و گام به گام یک معماری امنیتی متوازن، مؤثر و پایدار برای منطقه و جهان بسازند. پرزیدنت بایدن موضع ایالات متحده را تشریح کرد و آمادگی خود را برای ارتباط با چین برای جلوگیری از تشدید [وخامت] اوضاع ابراز کرد.

دوستان؛ قاره اروپا یک منطقه کلیدی برای صلح جهانی است. این قاره با دو جنگ جهانی ویران شد و پس از جنگ سرد، آرام و باثبات نبود. اکنون شعله‌های جنگ دوباره افروخته شده است. این برآستی عمیقاً ناراحت‌کننده است و مهمتر از آن باید ما را به تأمل عمیق وادارد. من به وضوح به یاد می‌آورم که چندین ستراتیژیست غربی از جمله جورج کنان، هنری کیسینجر و جان میرشایمر سال‌ها پیش زنگ خطر را به صدا درآوردند، با این حال، وضعیت به آنچه امروز می‌بینیم، رسیده است. درس سخت و دردناکی است و علت اصلی، در ذهنیت جنگ سردی و سیاست قدرت نهفته است.

اولاً هیچ کشوری نباید به دنبال امنیت مطلق خودش باشد. از آنجائی که ناتو وعده داده بود که "حتی یک اینچ به سمت شرق" حرکت نخواهد کرد، نباید زیر حرفش می‌زد و مرز خود را تا هزار کیلومتر به سمت شرق پیش می‌برد. اگر این گسترش به شرق، بیشتر پیش برود، به "حومه مسکو" نزدیک می‌شود و یک راکت می‌تواند در عرض هفت یا هشت

دقیقه به کرملین اصابت کند. بحران راکتی کوبا، درسی برای گفتن داشته است. پیگیری امنیت مطلق در واقع منجر به ناامنی مطلق می‌شود. راندن یک کشور بزرگ، به ویژه یک قدرت هسته‌ای، به گوشه، عواقبی به دنبال دارد که تصور آن‌ها وحشتناک است.

دوم، سیاست بلوکی و اردوگاهی و تقابل گروهی باید رد شود. بلوک نظامی، بقایای جنگ سرد است. ناتو و پیمان وارسا نزدیک به نیم قرن با هم ستیز داشتند. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ناتو باید در کنار پیمان وارسا به تاریخ سپرده می‌شد. با این حال، ناتو به جای انحلال، به تقویت و گسترش خود ادامه داده و در کشورهایی مانند یوگسلاوی، عراق، سوریه و افغانستان مداخله نظامی کرده است. در سال‌های اخیر، ناتو حتی تا جایی پیش رفت که در آسیا-اقیانوسیه قدرت‌نمایی کرد و عضله نشان داد. بخوبی می‌توان عواقب این مسیر را پیش‌بینی کرد. بحران اوکراین یک هشدار جدی است.

سوم، جهانی شدن را نباید به "اسلحه" تبدیل کرد. چین همواره با تحریم‌های یکجانبه‌ای که نه مبنایی در حقوق بین‌الملل دارند و نه حکمی از سوی شورای امنیت، مخالف بوده است. تاریخ بارها و بارها نشان داده است که به جای حل مشکلات، اعمال تحریم‌ها مانند "خاموش کردن آتش با هیزم" است و فقط اوضاع را بدتر می‌کند. تحریم‌ها علیه روسیه اکنون چنان لیست بلندبالایی است که از جهانی شدن به عنوان یک سلاح استفاده می‌شود، حتی افراد جامعه ورزشی، فرهنگی، هنری و سرگرمی در امان نمی‌مانند، گریه‌ها و درختان تحریم می‌شوند و دارایی‌های خارج از کشور شهروندان روس، بی‌اساس مصادره می‌شوند. غرب مدت‌هاست که از ایده‌های "علم بدون مرز"، "سیاسی نشدن ورزش"، تقدس و مصونیت مالکیت خصوصی، آزادی بیان و روحیه احترام به قراردادهای و غیره حمایت می‌کند. می‌ترسم دیگر هیچ‌کسی این‌ها را باور نکند. آیا این تحریم‌ها قصد دارند جامعه بشری را به مرحله بدوی برگردانند که جوامع منزوی بودند و هیچ ارتباطی با یک دیگر نداشتند؟ تحریم‌ها فقط به مردم آسیب می‌رسانند، سیستم‌های اقتصادی و مالی پس از جنگ [جهانی دوم] را مختل می‌کنند و بر اقتصاد جهانی در حال تقلا، فشار می‌آورند. حداقل از آنچه اخیراً می‌بینیم، ریسک‌های بحران غذایی، بحران انرژی و بحران مالی همگی در حال افزایش است. قیمت نفت به بیش از ۱۳۰ دلار به ازای هر بشکه افزایش یافت و قیمت گاز طبیعی در اروپا نسبت به مدت مشابه سال گذشته، افزایش ده برابری به خود دیده است. سوء استفاده از تحریم‌ها، عواقب فاجعه‌باری برای کل جهان به همراه خواهد داشت.

چهارم، کشورهای کوچک نباید به عنوان پیاده‌نظام [قدرت‌های بزرگ] استفاده شوند. همانطور که امروزه در دنیا می‌بینیم، برخی از کشورهای بزرگ نمی‌خواهند به درگیری کشیده شوند و به خود آسیب برسانند، به همین دلیل به کشورهای کوچک و عده‌های پوچ می‌دهند، کشورهای کوچک را به آلت دست خود تبدیل می‌کنند و حتی از آنها برای جنگیدن جنگ‌های نیابتی استفاده می‌کنند. تعهد ناتو به عدم گسترش به شرق می‌توانست براحتی به بحران اوکراین پایان دهد و رنج‌ها را متوقف سازد. در عوض، یک طرف [یعنی آمریکا] انتخاب کرد که شعله‌های آتش را در فاصله‌ای ایمن روشن کند و تماشا کند که دلان اسلحه، بانکداران و سلاطین نفتی‌اش از جنگ به ثروت می‌رسند، در حالی که مردم کشور کوچک را با جراحات جنگ، تنها می‌گذارد، جراحاتی که سال‌ها طول می‌کشد تا التیام یابند. این بسیار غیراخلاقی و غیرمسئولانه است.

دوستان؛ بحران اوکراین جهان را در آستانه خطر و ویرانی نگه داشته است. همچنین، این بحران آینه‌ای برای ما است تا در آن، وضعیت آسیا-اقیانوسیه را مشاهده کنیم. ما راهی نداریم جز این‌که بپرسیم، چگونه می‌توانیم از وقوع چنین بحرانی در آسیا-اقیانوسیه جلوگیری کنیم؟

آسیا-اقیانوسیه نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده است و ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهان مربوط به این منطقه است. این منطقه، لنگرگاه صلح و ثبات جهانی، موتور رشد جهانی و پیش‌قراول جدید در همکاری‌های بین‌المللی است. چنین وضعیت امیدوارکننده‌ای براحتهی به دست نیامده و همه طرف‌ها باید آن را گرامی بدارند. از سوی دیگر، آسیا-اقیانوسیه اکنون با دو گزینه متضاد روبه روست: آیا باید خانواده‌ای باز و فراگیر برای همکاری برد-برد بسازیم یا بر اساس ذهنیت جنگ سردی و تقابل گروهی، ایجاد بلوک‌های کوچک را انتخاب کنیم؟ پاسخ من را می‌توان به صورت چهار "باید" و چهار "نباید" خلاصه کرد:

اول، ما باید صلح را گرامی بداریم و نباید ثبات منطقه‌ای را تضعیف کنیم. آسیا-اقیانوسیه برای چندین دهه از صلح کلی برخوردار بوده است. این هدیه‌ای از بهشت نیست، بلکه حاصل تلاش‌های مشترک و متعهدانه همه کشورهای منطقه است. در آسیا بود که برای اولین بار پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و ده اصل کنفرانس بان‌توگ مطرح شد. آسیا همچنین زادگاه بیانیه شانگهای بین چین و ایالات متحده [در سال ۱۹۷۲] است. هشت سال پیش، رئیس‌جمهور شی‌جین پینگ چشم‌انداز امنیت مشترک، جامع، مبتنی بر همکاری و پایدار را مطرح کرد. این چشم‌انداز، که در وهله نخست به سمت آسیا معطوف بود، خصوصاً در شرایط فعلی، مرتبط است. هیچ کشوری نباید به اصطلاح امنیت مطلق خود را به قیمت امنیت سایر کشورها دنبال کند و گرنه همان‌طور که یک ضرب‌المثل می‌گوید "کسی که بخواهد فانوس دیگری را با فوت کردن خاموش کند، ریشش آتش می‌گیرد."

دوم، ما باید به یکدیگر احترام بگذاریم و نباید گستاخانه در امور داخلی دیگران دخالت کنیم. با وجود تمدن‌ها و شرایط ملی متنوع و گوناگون، کشورهای آسیایی به مدت نیم قرن از ثبات و رونق برخوردار بوده‌اند. کلید این امر، در راه آسیایی احترام متقابل و ایجاد وفاق و اجماع، نهفته است. کشورها باید به حاکمیت و تمامیت ارضی یک دیگر احترام بگذارند و از انجام کاری با دیگران که برای خود نمی‌پسندند، خودداری کنند. هر کشوری حق دارد مسیر توسعه‌ای را که خودش انتخاب کرده، دنبال نماید. تحمیل یا مداخله در امور داخلی دیگران را باید رد کرد و هیچ نیازی به "ناجیان" یا "سخنرانان" وجود ندارد.

سوم، ما باید اتحاد و همکاری را ترویج دهیم و نباید تفرقه و تقابل ایجاد نکنیم. آسیا-اقیانوسیه در جهانی سیال و در حال تغییر، سرزندگی خود را حفظ کرده است. این نتیجه تلاش‌های مشترک همه کشورهای منطقه است. اگر ما در مقابل یکدیگر قرار بگیریم و درگیر منازعات بی‌وقفه شویم، رونق و ثبات منطقه را در خطر جدی قرار خواهیم داد. اکنون برخی از کشورها اصرار دارند که خلاف روند طی‌شده، ستراتیژی ایندو-پاسیفیک [امریکا برای مهار چین] را دنبال کنند، در دسر ایجاد نمایند، حلقه‌ها یا گروه‌های کوچک بسته و انحصاری گردهم آورند و منطقه را از مسیر آن خارج ساخته و به سمت تکه تکه شدن و تقسیم‌بندی مبتنی بر بلوک، سوق دهند. این ستراتیژی ایندو-پاسیفیک به اندازه ستراتیژی گسترش ناتو به شرق در اروپا، خطرناک است. اگر اجازه داده شود این ستراتیژی بدون کنترل ادامه یابد، عواقب غیرقابل تصویری به همراه خواهد داشت و در نهایت آسیا-اقیانوسیه را به لبه پرتگاه خواهد برد.

چهارم، ما باید به دنبال استقلال و قدرت از آن خود باشیم و نباید اجازه دهیم دیگران برای آینده ما تصمیم بگیرند. دنبال کردن [سیاست] تفرقه بینداز و حکومت کن از طریق افروختن آتش تشنج‌ها برای دستیابی به توازن [قدرت] در آن سوی آب‌ها، شیوه کار هژمونی است. همه ما در آسیا، به‌جای این‌که بسادگی تسلیم منافع دیگران شویم یا به سرباز پیاده دیگران تبدیل شویم، باید نسبت به این موضوع [شیوه کار هژمونی]، هوشیار بمانیم و آینده را محکم در دستان خود نگه داریم. ما باید اهداف و اصول منشور ملل متحد را به عنوان راهنمای اساسی در نظر بگیریم و موضعی عینی و عادلانه در امور بین‌المللی داشته باشیم. ما باید ارزیابی‌ها و تصمیم‌گیری‌های مستقل را در راستای منافع خود اتخاذ کنیم،

سیاست‌های خارجی مستقل، متوازن و دوراندیشانه را دنبال کنیم و از طریق ایجاد وحدت در فرآیند همگرایی منطقه‌ای، به دنبال قدرت و پایداری باشیم.

چین آماده همکاری با همه کشورهای آسیا-اقیانوسیه تحت لوای چندجانبه‌گرایی واقعی، برای ترویج صلح پایدار، توسعه مشترک و منطقه‌گرایی باز و گشودن مشترک چشم‌اندازهای درخشان‌تر با یک آینده مشترک، برای جامعه آسیا-اقیانوسیه است.